

Mansoor Hekmat Week

4-11 June

در بزرگداشت زندگی پرلار

منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

HEKMATIST.COM

هفتگی ۳۰۹



۲۸ مه ۲۰۲۰ - ۸ خرداد ۱۳۹۹
پنجشنبه ها منتشر میشود

مجلس یازدهم در حاشیه

آذر مدرسی صفحه ۲



جمهوری اسلامی و معضل «وقت خریدن»

امان کفا

طی روزهای اخیر، چندین اتفاق در مورد ایران سر تیتتر میدیا شد. اخباری که در نگاه اول بمراتب ضد و نقیض بنظر می رسد. اسماعیل قاتنی ژنرال جمهوری اسلامی در شرف سرکار آوردن مصطفی کاظمی در عراق با اعلام اینکه «مسایل درونی عراق به مردم عراق مربوط است» مخالفت آشکار ایران با دخالت امریکا در عراق را اظهار داشت... صفحه ۲



در حمایت از کارگران برق بصره

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۵

مقصر کیست؟

مظفر محمدی



قتل رومینا اشرفی دختری در شمال ایران، یکی از هزاران جنایت زن کشی است که روزمره در گوشه و کنار ایران از شمال شهر تهران تا دروازه غار، از سیستان و بلوچستان تا کردستان و آذربایجان و از مازندران تا خوزستان در نظامی به نام جمهوری اسلامی اتفاق افتاده و می افتد. مقصر کیست؟ صفحه ۴

زن و جهان امروز؛

از گهواره تا گور

فواد عبداللهی صفحه ۳



سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به
انسان
است.

اساس
سوسیالیسم
انسان
است.

ضمیمه حکمتیست ویژه هفته منصور حکمت به زودی منتشر میشود

آزادی برابری حکومت کارگری

مجلس یازدهم در حاشیه

آذر مدرسی

نیستیم، بلکه یکپارچه پشت سر رهبریم» و نه امید «اصلاح‌طلبان» به «نبرد قدرت در مجلس» و نوید «اصول‌گرایان در مقابل اصول‌گرایان» و داغ نگاه داشتن بازار کشمکش در بالا کمترین توجهی را به خود جلب نمی‌کند. مجلس یازدهم و آینده آن مسائل، اختلافات و سرنوشت کشمکش جناح‌ها در آن، مانند دولت «اعتدال» و آینده آن، در حاشیه مهمترین مشغله‌ها و مسائل پائینی‌ها قرار گرفته است. مجلس یازدهم مرده به دنیا آمد!

بالایی‌ها زیر سایه «خطر» سرنوشتی و انقلاب مشغول تسویه حساب‌های درونی و تجدید آرایش برای دور آتی جدال با مردم اند و پائینی‌ها که بیش از دو سال است اعلام کرده‌اند برای دستیابی به آزادی، رفاه، برابری و امنیت، به چیزی جز رفتن کلیت رژیم و بنیادهای آن رضایت نمی‌دهند، مشغول تجدید قوا، سنگربندی و آماده شدن برای جمع کردن بساط همگی‌شان اند. مدتها است اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در کنار «مقام معظم» و سلحشوران سپاه و دولت و مجلس و ... همگی پشت به دیوار اند و راه فراری ندارند!

جمهوری اسلامی و معضل «وقت خریدن»...

و سپس خامنه‌ای به تندی هرگونه نقش آمریکا در عراق را محکوم کرد و به رجزخوانی معمول خود پرداخت. ترامپ حرف از مبادله زندانیان میان ایران و آمریکا زد، و همزمان تهدیدها در مورد تشدید تحریم‌ها علیه ایران از سر گرفته شد. بمباران‌های مداوم نیروهای نزدیک به جمهوری اسلامی در سوریه توسط اسرائیل ادامه یافت و بالاخره کشتی بنزین ایران به ونزوئلا رسید!

در داخل ایران هم به همین ترتیب، از یکطرف موج دوباره‌ای از بگیر و ببند‌ها براه افتاد و فعالین عرصه‌های مدنی، اجتماعی و کارگری و ... به بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی فراخوانده شده و راهی زندان شدند، از طرف دیگر، کارگران هفت تپه تحت عنوان پرطمطراق «لطف رهبری» و «عفو عمومی» از «جرائم» خود تبرئه شدند. همزمان دادگاه نزول خوران و روسای هفت تپه مانند سریال‌های معمول تلویزیونی پخش شدند. و البته کرونا همچنان در ایران قربانی می‌گیرد و مسئولین جمهوری اسلامی بجای رسیدگی به مردم، با ارائه آمارهای سراپا دروغ، به سفید و قرمز کردن استان‌ها مشغولند!

اما برخلاف آنچه که در میدیای راست عرضه می‌شود، این «آشوب» نه ناشی از «بی‌سیاستی» و «بی‌عقلی» و «مدیریت بد» سران جمهوری اسلامی، بلکه بیانگر بن بست کاملاً آشکار جمهوری اسلامی در مقابل اوضاع ملت‌هت و پرتلاطم موجود در ایران بر متن دنیای پخرانی امروز است. جمهوری اسلامی همچون گذشته دائماً سیاست پراگماتیستی «وقت خریدن» را دنبال می‌کند، سیاستی که پیشبرد آنرا امروز، بی‌اعتباری و عدم مشروعیت این نظام، نه در خارج مرزهای آن بلکه دقیقاً در داخل مرزها و از طرف دشمنان آشتی ناپذیرش، گسترش روزافزون اعتراضات در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، با مشکلات رو به افزون تری مواجه شده است.

اینکه جمهوری اسلامی با توثیق‌های خود از «صلح امام حسن» می‌گوید، یا اینکه به چه توافقاتی با آمریکا رسیده یا نرسیده، به هیچ وجه پاسخگوی معضلات عدیده رژیم در این شرایط نیست. همانطور که قراردادهای همه‌جانبه تری چون برجام، با تبلیغات گوش خراش آن، نه توانست و نمی‌توانست پاسخی درخور برای بورژوازی و دولتش در ایران در مقابل اعتراضات گسترده در ایران برای بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی اکثریت مردم علیه جمهوری اسلامی باشد.

جامعه ایران امروز کاملاً از این دایره «وقت دادن» عبور کرده است و شرایط امروز بیش از پیش نشانگر آرامش نسبی قبل از طوفان است. آنچه جامعه را در همین چند روز به هیجان آورد، نه پرخاش‌های سنتی رژیم علیه آمریکا و نه «توانایی» دور زدن تحریم فروش نفت» و نه تصاویر «داد طلبی» و «دلسوزی» برای کارگران بود. برعکس همه‌جا، موجی از جشن و سرور در میان کارگران و آزادیخواهان در ایران و خارج از کشور با اعلام عقب نشینی جمهوری اسلامی از احکامی که دادگاه‌های

این رژیم برای کارگران هفت تپه و تحریریه نشریه گام، زندانیان اول مه و ... همراه شد. عقب نشینی که بیانگر ترس از گسترش قدرت طبقه کارگری است که بورژوازی حاکم در ایران، یکی از هارترین دولت‌های موجود، را وادار کرد که تمامی تهمت‌های قدیمی نظیر «عوامل بیگانه»، «اخلالگر»، و ... را پس بگیرد. جمهوری اسلامی به عبث تلاش کرد تا با بزک کردن این عقب نشینی تحت عنوان «لطف رهبری»، ابعاد آنرا تخفیف دهد. این «تاکتیک» هم نه فقط در میان کارگران و آزادیخواهان در ایران، بلکه برای کل نیروی عظیمی که در گوشه و کنار دنیا پی در پی به این احکام واهی اعتراض کرده بود، به سخره گرفته شده.

تحمیل این عقب نشینی به جمهوری اسلامی مسلماً یک پیروزی عظیم برای تمامی کارگران و آزادیخواهان است.

عقب نشینی که ارتعاش آنرا به سرعت در سایر مراکز تولیدی خواهیم دید. پیروزی که مبارزه مداوم و اتحاد کارگران هفت تپه و حامیانشان در میان طبقه کارگر و مردم محروم، آنرا میسر کرد. به همین دلیل تأثیرات آن بر فضای سیاسی، بر توازن قوا میان مردم و حاکمیت، بر اعتماد به نفس طبقه کارگر، بر مراتب فراتر از آن است که جمهوری اسلامی براحتی قادر به پس گرفتن آن باشد. مولفه‌ای که تمام محاسبات جمهوری اسلامی و روابط و قول و قرارهای درونی و بیرونی بورژوازی را بهم ریخته و میریزد.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند اعتراض عمومی علیه کل این نظام و حاکمیت آن و اقلیت انگلی که بیش از چهل سال است از قبل استثمار و نابودی جان و زندگی اکثریت جامعه فریه شده‌اند، را با محاکمه چند نفر از عزیز دردانه‌های خود محدود کند. جمهوری اسلامی سعی دارد تا با ادامه این نوع «محاکمه»‌ها، باز هم برای خود وقت بخرد. اینها برای مهار کردن اوضاع به نفع خود، هیچ ابایی از قربانی کردن اسدبیکگی و شرکا در چند مرکز اصلی تولیدی ندارد. اما این هم پاسخ طبقه کارگری که چیزی برای از دست دادن ندارد و برای جدال نهایی به میدان آمده، نیست. شرایط امروز قابل مقایسه با هیچ دوره‌ای در این ۴۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. نه جمهوری اسلامی و نه اکثریت جامعه در موقعیت قبلی خود نیستند. خواست محاکمه این مفتخوران در دادگاه‌های علنی مردمی، خواست آزادی تمامی معترضان از زندان‌های جمهوری اسلامی، خواست پرداخت غرامت بابت تمامی جنایاتی که این حکومت کرده است، خواست آزادی اعتراض و بیان و عقیده، خواست برابری و رفاه و سعادت برای همگان و ... امروز همه جا طنین انداخته است.

امروز، نه رجزخوانی‌های فرماندهان بسیج و نه «لطف و مرحمت رهبر»، نه «افتداری در منطقه»، نه «دور زدن تحریم‌ها» و نه هیچکدام از مداخل‌های متعدد که حاکمیت به خود و دستگاه سرکوب خود می‌دهد و نه هیچ عامل و تلاش دیگری، قادر به احیا موقعیت جمهوری اسلامی در جامعه نیست. «فاتحه» فرصت دادن به این نظام مدتها است خوانده شده است.

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

زن و جهان امروز؛ از گهواره تا گور

فواد عبداللهی

جنایت از سر «جنون»، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است. (منصور حکمت)

اپیزود اول: رومینا و «عظمت» نظام

به موازات دیپلماسی پشت‌پرده آمریکا و ایران و رسیدن نفت‌کش‌های جمهوری اسلامی به سواحل کاراب، قتل وحشیانه رومینا دختر ۱۳ ساله تالشی توسط پدرش، بار دیگر نفس را در سینه میلیون‌ها انسان در سراسر ایران حبس کرد. درست همانگونه که شلیک موشکی نظام به هواپیمای مسافری اوکراینی و کشتار صدها انسان بیگناه بر فراز آسمانهای تهران، چوب لای چرخ عریبه‌های مستانه و «عظمت‌طلبانه» نظام و مدافعینش در ثنای «سردار» سلیمانی‌شان گذاشت، اینبار هم بالماسکه خودنمایی جمهوری اسلامی در دریای کاراب بیش از دو روز به درازا نکشید! ناگهان میلیون‌ها زن در ایران در اعلام هم‌سرنوشتی با رومینا، زبان به انتقاد و بازگو کردن سرنوشت خود زیر سایه سیاه حاکمیت چهل ساله جمهوری اسلامی گشودند؛ ناگهان آبروی نداشته نظام و اسلام دوباره از ته منجلاب بالا آمد و کار بجایی رسید که حتی خودی‌ترین خودی‌هایشان را مجبور به واکنش کرد؛ از روحانی تا معاون وزارت دادگستری خواستار «مجازات شدید قاتل» شده‌اند!! گویی فقط پدر رومینا قاتل بوده است! اما ترور رومینا تنها به عامل پدرش محدود نمانده و ما و میلیون‌ها انسان را به یک دستگاه مخوف کودک‌کشی و زن‌کشی در جامعه ایران می‌رساند؛ رومینا قبل از آنکه توسط پدرش به قتل برسد، بار اول توسط یک مرد ۲۰ ساله تحت نام «پسری که دوستش می‌داشت» مورد سوءاستفاده جنسی و کودک آزاری قرار می‌گیرد و بار دوم توسط عوامل حکومت دستگیر می‌شود و قاضی اجرای حکم ترورش را به پدر واگذار می‌کند. رومینا قربانی یک نظام سرپا گنبدیده، بدفیل و ضد زن شد. در پیشگاه کثیف‌ترین حاکمیت مدافع ستم جنسی دنیای معاصر، سلاخی شد. مثل همیشه در ایران تحت حاکمیت اسلام، فرض بر مجرم بودن زن و دختر خردسال است. قوانین بر این اساس ساخته و پرداخته شده‌اند. اصل در این سیستم قضایی بر برائت متجاوزان به زنان است. اگر با جامعه‌ای انسانی روبرو بودیم در قوانین جزایی آن تعدی و تجاوز به جسم و آسایش روحی انسان، خشونت علیه زن و بدفیللی جرایمی سنگین‌تر در قیاس با تعدی به حقوق ملکی و اموال خصوصی و دولتی می‌بود. اما در ایران آنچه مینا نیست حقوق انسانی، آسایش جسمی و روحی مردم و بویژه زنان و کودکان است. سیستم قضایی و کل دستگاه دولت بر علیه امنیت و آزادی مردم و حقوق‌شان طراحی شده است. اعدام و قصاص ضمانت اجرایی این سیستم است. بجز این، یک‌روز «عظمت» چنین نظامی سرپا نگه داشته نمی‌شود.

نفس یک مورد از این جنایات در حق کودکان و زنان، باید کافی می‌بود تا جامعه به دفاع و تعرض برخاسته و پاسخ درخوری به این توحش سازمان‌یافته بدهد. اما ما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی زندگی می‌کنیم. جامعه‌ای که قوانین رسمی مملکت مشروعیت بخشیدن به خشونت آشکار، رسمی و سازمان‌یافته در حق زنان و دختران خردسال است. حکومتی که زن رسماً از حقوق انسانی محروم است، تجاوز، بی‌حقوقی، تبعیض و آپارتاید جنسی، سیاه روی سفید، قانون است. حکومتی که رسماً به مردان حق تملک زنان را داده و آنها را ناموس و برده مردان تعریف کرده و هر نوع تخطی زنان از نرم‌ها و سنت‌های ضد انسانی را با اشد مجازات پاسخ می‌دهد. اگر جامعه دست طبقه کارگر و سوسیالیست‌ها بود، فوراً جانیان و تجاوزکنندگان دستگیر و محاکمه می‌شدند، با سنت و فرهنگ و اخلاقیات پوسیده و ضد زن مبارزه می‌شد و برابری کامل زن و مرد، حاکم می‌شد.

امروز باید همین کار را کرد. باید در مقابل این سنت‌های ارتجاعی، در مقابل ترور زنان و کودکان تحت عنوان «ناموس» ایستاد و باید برای مقابله جدی با این فجایع، حکومت اسلامی را انداخت و بنیادهای

سیستمی که چنین قساوتی را ممکن می‌کند، ویران کرد. جمهوری نکت اسلامی، با فرهنگ و قوانین ضد زن و ضد کودک‌کشی باید از زندگی و مناسبات مردم ایران رخت بریندند. قتل فجیع رومینا یک سند تکان دهنده است. ادعای نامه میلیون‌ها زن و دختر خردسال در این مملکت است که آشکار و پنهان مورد تهدید و تعرض جسمی و روحی قرار گرفته‌اند. کیفرخواست میلیون‌ها زنی است که در اعماق این مناسبات ضد انسانی، حتی زمانی که مورد تجاوز و تحقیر و ترور واقع می‌شوند، به جرم طرز لباس پوشیدن تا خندیدن‌شان، برصندلی متهم قرار می‌گیرند. عاملان ترور رومینا از دولت تا پدر همه مجرم‌اند؛ نفرت انگیز اند؛ باید به پای میز محاکمه کشیده شوند؛ باید کاری کرد که هیچکس جرأت نکند به زن و به کودک تعرض فیزیکی و معنوی بکند. باید کاری کرد که کودکان بی‌دفاع جامعه، حتی در پنهانی‌ترین مناسبات خود با بزرگسالان، از سنگر قوی برای دفاع از حق خود برخوردار شوند و مورد حمایت باشند. مورد رومینا، ادعای نامه محکمی علیه جمهوری اسلامی و همه قوانین و سنت‌های ضد زن و ضد کودک آن است. باید این سند را همه جا افشا کرد و باید صف محکمی از انسان‌های آزادی‌خواه و مترقی را در سراسر ایران بر علیه این فجایع سازمان داد. تعرض اسلام و دولت و قانون آن به زنان و دختران که از گهواره تا گور در ایران جریان دارد و بویژه ابعاد دهشتناک تعرض جنسی به دختران خرد سال، تعرضی که یک رکن بازتولید مذهب و فقر و محرومیت میلیونی شهروندان است، تنها و تنها توسط یک جنبش توده‌ای از پایین متوقف می‌شود. این جنبش در ایران بسیار قدرتمند، رادیکال و وسیع است. باید این جنبش را در یک تلاش وسیع‌تر و سازمان‌یافته‌تر به پیروزی رساند تا انسانیت و حقوق جهانشمول انسان مبنای مناسبات در جامعه شود.

اپیزود دوم: حقوق کودکان در انگلستان

روزنامه گاردین به نقل از «بنیاد حقوق کودک»، گزارشی از رتبه‌بندی سالانه خود را درباره حقوق کودکان در ۱۸۲ کشور بر حسب امکانات و توانایی‌هایی اقتصادی که هر کشور دارد، منتشر کرده است که در آن انگلستان در رتبه ۱۶۹ و پس از سوئدان، عراق، یمن و عربستان در بدترین جایگاه تنزل قرار دارد. رئیس این بنیاد به گاردین گفته است که شرایط اسفبار کودکان در انگلستان که یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان بلحاظ امکاناتی که قادر است در اختیار جامعه قرار دهد و و نمی‌دهد، تنها نتیجه بحران کوید-۱۹ نیست؛ مشخصاً نزدیک به دو دهه است که ریاضت اقتصادی تحمیل شده به مردم انگلستان توسط دولت‌های محافظه‌کار و تاجریست حمله به سطح رفاه و خدمات اجتماعی مردم، عامل اصلی تنزل موقعیت انگلستان در خصوص حقوق کودکان است. حقیقت این است که یک جنگ خاموش و اعلام نشده از ایران تا انگلستان، از آمریکا تا سوریه و آفریقا که قربانیان ردیف اولش کودکان‌اند در تمام این مدت در جریان بوده است. میلیون‌ها کودک به انجا مختلف قربانی سودجویی، ریاضت اقتصادی، تجارت سکس، میلیتاریسم، فقر، مذهب و رسم و رسوم عقب مانده‌اند. این جهانی است که نه توسط خدا و سرنوشت، که توسط بشر برای کودکان ساخته شده است. تباهی هولناک و میلیونی کودکان، واقعیتی تلخ اما اجتناب‌پذیر است. این جهان قتل‌گاه کودکان است. اما این سرنوشت محتوم آنها نیست. تقدیر، مصیبت آسمانی و خدا در این میان کاره‌ای نیستند. بیاد بیاوریم که تنها یک فقره قتل عام نقشه‌مند و آگاهانه کودکان محصول اجرا یکی از مصوبه‌های سازمان ملل بود. تحریم اقتصادی عراق در دهسال اول اجرایش، بیش از پانصد هزار (نیم میلیون) کودک زیر پنج سال را به قتل رساند؛ و این در حالی است که با خرج تنها یک ناوگان اتمی انگلستان میتوان میلیون‌ها کودک را در مقابل این مصائب حفظ کرد؛ یک فقره دیگر، ترورهای نقشه‌مند مذهبی - ناموسی است. احکام این قتل‌ها از پیش صادر شده است. مثل کشتار رومینا ۱۳ ساله!

این نمونه‌ها، آمارها، ارقام و شواهد، تنها جلوه‌ای از سیمای جهانی را پیشرو می‌گذارد که بر مبنای سودجویی، استثمار، ستمکشی، خرافه، تبعیض، و مذهب بنا شده است. معماران این بنای توحش ضد کودک، صاحبین سرمایه و دولت‌هایشان هستند. بنای توحشی که اولین و بی‌دفاع‌ترین قربانیان آن، کودکان هستند. کودکان شایسته یک دنیای بهتر، انسانی، امن و مرفه‌اند. جهان وارنه معاصر را می‌توان و باید بنفع کودکان بر قاعده‌اش نشاناد!

قدرت طبقه کارگر در شکل اوست!

در اخبار و گزارش های مختلف می خوانیم، رومینا ربوده شده. رومینا فرار کرده، قاتل معتاد بوده. اختلاف خانوادگی داشتند، مردی که دوست رومینا بوده او را فریب داده، قانون حقوق کودک در مجلس تصویب نشده...

محققین و روانشناسان و جامعه شناسان بورژوازی ایران هم، کشتار زنان را موضوعی مربوط به عوامل سنت و عرف اجتماعی، فرهنگی و انگیزه های مذهبی توده های مردم می نامند.

اما همه ی این پرت و پلا گویی ها، حواشی یک واقعیت زمخت و پلید اند که پرده پوشی می شود و آن خشونت سازمان یافته در جمهوری اسلامی علیه نصف انسانهای جامعه ایران، زنان است. ضدیت با زن، تحقیر زن، درجه دوم بودن زن در جمهوری اسلامی قانونی است و عاملان و سازماندهندگان و مجریانی از راس حاکمیت تا پایین، از امام، رئیس دولت، وزرا، وکلا، امرا و سرداران، قضات و پلیس و زندان هایش را، دارد. آپارتاید جنسی در ایران قانونی است.

در این ضدیت قانونی شده و سازمان یافته با زن و در سلاخی رومیناها، پلیس وقاضی با قاتلین هم دست و همکارند. پلیس وقاضی رومینارا تحویل خانواده (پدر، عموها، دایی ها و مردان) مسخ شده در لجنزار جمهوری اسلامی دادند تا کشته شود. رومینایی که بارها داس پدر بر گلوی خود ومادرش نشسته بوده، این بار می بایست کارنیمه کاره ی پایان زندگی غم انگیزش یکسره شود.

در جوامع متمدن کسی که قادر به ارتکاب این «قتل های غیر عادی» است، معمولا این سوال مطرح می شود که آیا این آدم سالمی است؟ جنایت از سر «جنون»، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما به قول منصور حکمت، این نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتا زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون امیز گوشه ای از عقل و قانون حاکم بر جامعه است.

قانون ضد زن در جمهوری اسلامی به مردان خانواده (همسر، پدر و...)، مجوز گرفتن جان زنان را داده است. از محمد علی نجفی عنصر صاحب منصب و تبهکار رژیم در شمال شهر تهران تا یک روستایی مسخ شده ی مازندران و دیگر نقاط کشور. قانون مجوز داده است، اگر پدری فرزند یا نوه خودش را بکشد مجازات ندارد، اگر مردی برای حفظ «آبرو»، دختر، خواهر و همسرش را بکشد مجرم نیست.

توضیح کشتار زن در ایران با علل سنت و فرهنگ و مذهب، توجیه و تایید جنایت توسط مردمانی است که گویا کاری جز تبعیت از فرهنگ و سنت و عرف و خانواده و اقتدا به مذهب و اجرای احکام قرآن و شرع، انجام نمی دهند.

همین خیل روشنفکران بورژوا پا را فراتر می گذارند و می گویند قانون را هم عوض کنید باز این اتفاق می افتد! مطابق این استدلال، مردان زیادی در جامعه ی ما تنها پیروان سنت و فرهنگ و مذهب مقدس شان هستند و این امری عادی و پذیرفته شده تلقی می شود و کاریش همیشه کرد.

این که جامعه ی مردسالار و ضد زن جامعه ای بیمار است، شکی نیست. اما این بیماری نه ارثی است، نه اخلاقی و نه فرهنگی. این بیماری زاییده ی سیاست و قانون و نظامی است که در چهار دهه ی اخیر ایران، آپارتاید جنسی نام دارد.

آپارتاید، نه اخلاقی و نه فرهنگی است، سیاسی است. باید سفیدپوستانی باشند که حاکم اند و انسان هایی را به جرم رنگ پوست، برده و کارگر مزدبگیر ارزان برای استخراج طلا از معادن و تونل های زیر زمین به خدمت گیرند.

آپارتاید جنسی در ایران هم همین است. باید نظامی به نام جمهوری اسلامی سر کار باشد تا نصف انسان های جامعه را به جرم زن بودن، انسان درجه چندم، بیحقوق، کارگر با دستمزد کم تر از مردان، کار بی اجر و مزد در خانه، تولید نسل های بعدی کارگران و انسان های تحقیر

شده، سرکوب شده، مطیع و اسیر قوانین مدون و خانواده ی مقدس کند. مذهب در طول تاریخ بشر ابزار قدرتمندان و زورگویان و طبقات دارا علیه اکثریت مردم برده و رعیت و کارگر و زحمتکش بوده است. اسلام، مسیحیت، یهودیت و دیگر ادیان جز ابزارهایی در خدمت صاحبان قدرت و ثروت نبوده است. صاحبانی که معمم یا مکلا خود ذره ای به این ادیان باور ندارند. در زندگی و رفاه و عیش و عشرت طبقات دارا از کشیش و ملا تا سرمایه داران ریز و درشت، آثاری از اعتقادات مذهبی در عمل دیده نمی شود ولو با عبا و عمامه در منابر گلو پاره و گریه کنند و بگریانند و پیشانی شان را با مهر نماز علامت گذاری نمایند.

مذهب در جمهوری اسلامی ابزار تزریق باورهای کاذب و خرافات دینی و خصایل وحشیانه و حیوانی در خدمت تحمیق و فریب و سکوت و رضایت و قناعت به بردگی و اسارت و فقر و بیکاری و گرسنگی است. در این نظام اما زن اولین قربانی است. چرا زن؟

در قرون وسطی زن را ساحره وجادوگر می نامیدند و راه مقابله با آن این بود که بر دار سوزانده شوند. در جمهوری اسلامی حتی موی زن سحر و جادو می کند و برای جامعه و نظام و «امنیت ملی» خطرناک محسوب می شود. برای رفع این جادو و خطر باید بر پیشانی دختران پونز کوبید، بر صورتشان اسید پاشید، اعدامشان کرد و با داس سرشان را برید.

داستان زن در زندگی جوامع مسیحی و یهودی و اسلامی را همه از برند. انقلاب جنسی فرانسه مسیحیت را افسار زد. اما اسلام کماکان در قرون وسطی مانده است. مبلغین و نوکران فکری بورژوازی، جامعه ی ایران را اسلامی می نامند. ناسیونالیست کرد هم می گوید مردم کردستان مذهبی اند. به این اعتبار گویا مذهب و شریعت و خدا و پیغمبر و قرآن انتخاب هر کودکی است که از مادر متولد می شود و این ارث مقدس از نسلی به نسلی دیگر می رسد. آیا درک دلیل این ادعا شعور زیادی می خواهد؟ آیا باید زن بود تا موقعیت در محاصره قرار گرفته ی او را در ایران فهمید؟ آیا مردهای ایرانی از این موقعیت زن بهره می برند؟ مطلقا نه. چه چیزی این دسته مرد ها را به این روز انداخته که وحشی و بی عاطفه و جلا د دختر خود، خواهر خود یا همسر خود شوند؟

مفسران فرهنگ و سنت و عرف، جواب این سوال را در آیه های «شریفه» جستجو می کنند. از قبیل این که:

«و خدا بندگان خود را گفت شما را دو نوع خلق کردم. نر و ماده، زن و مرد. و زنان ناموس مردان اند. زنان باید مطیع مردان باشند. و مردان حق زدن و کشتن زنان نا مطیع و ناموس خود را دارند. و خدا فرمود در بهشت به مردان مسلمان و مطیع هر چند زن و حوری بخواهند می دهم. و خدا مهربان است!»

یا در فتوای آخوندی در جمهوری اسلامی که می گوید: «خدا زن را حیوان آفرید ولی به شکل انسان برای لذت مردان»...

اما این چرندیات مذهبی و تفاسیر ان ها بخودی خود اهمیتی ندارند. باید قدرتی و حاکمیتی باشد تا این مزخرفات را به ابزاری برای سرکوب جامعه و حفظ قدرت و ثروت تبدیل کند. باید محمد و علی و عمری باشند تا برای تحقق خلافت و قدرت به گفته ی خمینی روزی ۷۰۰ نفر را بکشند.

در ایران امروز هم پشتوانه ی این آیات و فتواها یک نظام سیاسی تمام قد ایستاده است. حاکمیتی به نام جمهوری اسلامی با ابزار اسلام و مذهب به مثابه ایدئولوژی حاکمان در طول تاریخ و تا امروز تنیده شده در ضدیت با زن و ابزار سرکوب و جنایت.

اسلام و مذهب با سنن و فرهنگ و اخلاقیاتش برای بورژوازی حاکم در هر لباسی، معمم، مکلا یا نظامی، فقط یک ایدئولوژی مقدس نیست یا فقط یک ابزار فریب و تحمیق و سرکوب نیست، یک صنعت است. صنعت و سرمایه ی مالی عظیم و سود آور. مساجد و مرقد های امامان امثال آستان قدس رضوی و معصومه ی قم و صدها و هزاران امام و امام زاده ی دیگر، بظاهر مقبره های مقدس برای زیارت و شفا بخشی اند. اما

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

در حمایت از کارگران برق بصره

کارگران برق در بصره علیه قراردادهای موقت کار دست به اعتصاب زده اند. طبق اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق با فراخوان کمیته مرکزی کارگران برق در بصره و در اعتراض به قراردادهای موقت، از روز دوشنبه ۱۹ ماه مه کارگران برق در بخشهای جنوبی دست به اعتصاب عمومی زده اند. در اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق اشاره شده است که: «اعتصاب کارگران در اعتراض به امتناع وزارت برق در تبدیل قراردادهای موقت کارگران به قراردادهای دائم با وزارت برق صورت گرفته است. این در حالی است که نزدیک به ۱۴ سال از پایان قرارداد کارگران با وزارت برق میگذرد و این وزارت از تمدید قرارداد دائم با کارگران خودداری کرده و شرایط استخدام را رسماً معلق نگه داشته است.

علاوه بر این، کارگران اعتصابی حقوق معوقه سه ماه گذشته خود را نیز از این وزارت دریافت نکرده اند.»

طبق اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق دولت و وزارت برق به جای جوابگویی به خواست و مطالبات کارگران اعتصابی با دخالت و گسیل باندهای شبه نظامی به محل تلاش کرده اند اعتصاب متحدانه کارگران را در هم بشکنند. همزمان وزیر برق بعد از گذشت دو روز از اعتصاب کارگران دست به اخراج «وائل شاکر حبیب»، رئیس کمیته مرکزی کارگران اعتصابی، و تبعیدش به یک منطقه دورافتاده جنوبی زده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن محکوم کردن تعرض به کارگران اعتصابی و تبعید رئیس کمیته مرکزی آنها، حمایت خود را از کارگران بصره و مطالبات آنان اعلام میکند. اعتراض و اعتصاب کارگران بصره، اعتراض بخشی از هم طبقه ای های ما در کشور عراق به بردگی مطلق است که کارگران در ایران و بقیه کشورها نیز علیه آن بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. یکسال گذشته از عراق و لبنان تا ایران و الجزیره، مصر، از فرانسه تا مکزیک و بولیوی و ... شاهد رشد و گسترش اعتراضات کارگری در اعتراض به فقر، محرومیت و استثمار بودیم. اعتراضاتی که حمایت ها و همبستگی های متقابل شان ویژگی برجسته آن بود.

همبستگی و حمایت هایی که بیان دوره ای جدید از خودآگاهی طبقه کارگر و مردم عدالتخواه در سراسر جهان است. دوره ای که طبقه کارگر و مردم محروم برای مطالبات مشترک، برای دنیایی آزاد و برابر، برای جامعه ای بری از بردگی و استثمار علیه سیستم های کاپیتالیستی مبارزه میکنند و از مبارزات هم حمایت میکنند. حمایت و همبستگی با کارگران برق بصره، خواست بازگرداندن فوری رئیس کمیته مرکزی آنها از تبعید، وظیفه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در عراق، ایران و منطقه است.

زنده با مبارزه عدالتخواهانه کارگران در عراق
زنده باد همبستگی طبقاتی کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۸ مه ۲۰۲۰

در واقع بنگاه هایی برای خالی کردن جیب مردم هستند. مذهب یک صنعت است، تجارت است. بنگاه های عظیم مالی که علاوه بر سرکیشه کردن مردم عوام، یک مرکز خرید و فروش و تجارت زن هم هستند. اگر رژیم شاه در تهران «شهر نو» را برای تن فروشان دایر کرده بود، جمهوری اسلامی آستان رضوی مشهد و معصومه ی قم را به این امر بارزگانی سودآور اختصاص داده است. در این صنعت باز اولین قربانی زن است. و این دیگر قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است.

«اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

منشاء این خشونت، دنیایی است که زن را در هزار و یک راه و رسم و قانون و سنت زمخت و ظریف، قابل ستم و کم ارزش تعریف کرده است و آگاهانه و عامدانه، و در اغلب موارد به خشونت آمیزترین شیوه ها، راه رهایی زن و خروج او از موقعیت قربانی را سد میکند.» منصور حکمت - زن در زندگی و مرگ

در این جهان، زن از چند طرف محاصره شده است. خانواده، مذهب، دولت، قانون، شریعت، سنت و لشکری از مردان آلوده و مسخ شده ی مردسالاری و ناموس پرستی. و همه ی این ها به قیمت تسلیم و تخریب شخصیت و روح و روان زنان که توسط دولت در وهله اول و نظام مالکیت خصوصی و ابزار مذهب و فرهنگ مردسالار، پاسبانی می شوند. باید ایده مذهب را در آتش خشم توده های انسان سوزاند. رنسانس جدیدی که بشریت را پله ای به آزادی و حرمت و سلامت و امنیت می رساند و زن را از منجلاب مذهب به سلامت و امنیت و برابری نزدیک می کند. اما این هنوز تمام کار نیست. رهایی انسان، رهایی زن در گرو به زیر کشیدن نظامی است که بر تبعیض طبقاتی و جنسی استوار است: نظام سرمایه داری!

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ضد زن، زنان و دختران جامعه، ۴ دهه است با چنگ و دندان از حقوق و آزادیهایشان دفاع می کنند. جامعه ای که طوفان جنبش آزادی و برابری زنان در آن وزیدن گرفته است. طوفانی که می رود تا ریشه ی تبعیض و ستم و نابرابری و بی حقوقی زن را از بیخ بکند.

مردسالاری، مذهب و ناموس پرستی به چالش کشیده شده است، باید تا ته این اقدام رفت. انقلاب طبقاتی و انقلاب جنسی ای ضروری شده است. انقلابی که می رود تا طبقات تحت ستم و زنان اسیر خانواده ی مردسالار و ناموس پرست را به جایی برساند که در آن مالکیت خصوصی جای خود را به مالکیت اجتماعی و اشتراکی داده است. جامعه ی آزاد و برابر و سوسیالیستی می تواند زن و مرد را به خصلت والای انسانی برساند و ریشه ی ستم و تبعیض را بخشکاند. طبقه کارگر، کمونیست ها و سوسیالیست ها و هر انسانی که برای پایان دادن به داغ لعنت خورده ی زن کشی عجله دارد و بغض گرفتن زندگی رومیناها و آتناها را در گلو خفه نمی کند، باید برخیزد و به این نظام ضد بشر، خاتمه دهد. کلام آخر. آشنایی از میان بغض کنندگان همسایه ی رومینا می گفت: اگر انقلابیونی باشند که چند نفر از این قاتلان را تنبیه کنند دیگر کسی جرات ندارد دست روی زن بلند کند...»

قصه مردی را برایش تعریف کردم که کنار مرداب کوچکی نشسته و یکی یکی کرم ها را از آب بیرون می آورد و می کشت، به امید اینکه مرداب پاک شود. یکی از کنارش رد شد و گفت، این کارت بیهوده است. راه پاک شدن مرداب خشکاندن آن با چند گالن نفت است. راه خشکاندن مرداب ضد زن جمهوری اسلامی هم سوزاندن قوانین این نظام است. قوانین ستم و تبعیض طبقاتی و جنسی. برای این کار باید بر این نظام شورید!

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید

در دفاع از اعتصاب عمومی کارگران برق در بصره، متحد شویم!

تلخیص اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق

از روز دوشنبه ۱۹ ماه مه، با فراخوان کمیته مرکزی کارگران قرارداد موقتی برق در بصره، اعتصاب عمومی کارگران در بخش های جنوبی وزارت برق شروع شده و تاکنون در جریان است. اعتصاب کارگران در اعتراض به امتناع وزارت برق در تبدیل قراردادهای موقت کارگران به قراردادهای دائم با وزارت برق صورت گرفته است. این در حالی است که نزدیک به ۱۴ سال از پایان قرارداد کارگران با وزارت برق میگذرد و این وزارت از تمدید قرارداد دائم با کارگران خودداری کرده و شرایط استخدام را رسماً معلق نگه داشته است. علاوه بر این، کارگران اعتصابی حقوق معوقه سه ماه گذشته خود را نیز از این وزارت دریافت نکرده اند.

قانون کار تحمیل شده توسط نهادهای حاکم اساساً توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دیکته شده است تا ضمن حمله به سطح معیشت طبقه کارگر، دولت را از زیر بار کمترین مسئولیت خارج کند و بلاواسطه بیشترین فشارهای اقتصادی و بار بحران مالی را روی سر طبقه کارگر سرشکن کنند.

این سیاست ضد کارگری در وحله اول، ترس از بیکاری و عدم امنیت شغلی را در صفوف کارگران دامن زده است و در ثانی دولت و کارفرما را از پرداخت مزایا و غرامت و غیره معاف کرده است. در این میان، کارگران استخدام موقت، حتی مشمول حداقل مزایا از جمله حقوق بازنشستگی هم نمیشوند. این بخش از کارگران بدون هیچ پشتوانه ای، به راحتی میتوانند توسط کارفرما و وزارت مربوطه از کار بیکار شوند. این امر بدین لحاظ مهم است که این بخش از کارگران، متحمل سخت ترین و خطرناکترین قسمت از شرایط کار در وزارت برق اند. شرایطی که بسیاری از آنها را تاکنون با نقص عضو و پرو کرده و یا به کام مرگ فرستاده است، بدون آنکه کارفرما و دولت را موظف به پرداخت غرامت و مزایا کند. این سیاست وحشیانه ای است که کل احاد کارگران را متوجه مقاومت در برابر آن کرده است.

از طرف دیگر، با گسترش و دخالت سیاست های سرکوبگرانه باندهای شبه نظامی فاسد به قصد در هم شکستن اعتصاب کارگران به جای شنیدن مطالبات کارگران و متحقق کردن آنها، جناب وزیر بعد از دو روز از آغاز اعتصاب دست به اخراج، ائیل شاکر حبیب، رییس کمیته مرکزی کارگران اعتصابی و تبعید وی به منطقه دورافتاده ای در جنوب عراق زده است. این عمل با هدف منزوی کردن رهبر کارگران اعتصابی و مجازات وی بعنوان کسی که نقش برجسته در سازماندهی و هدایت اعتصاب داشته، صورت گرفته است.

بار دیگر حقایق آشکار شدند: این حقیقت که جامعه طبقاتی است و دو طبقه در مقابل هم صف کشیده اند. طبقه ای که بدون توجه به نیاز و سرنوشت و شرایط زندگی اکثریت جمعیت کارکن در جامعه، تنها سود و منفعت حقیر خود را میشناسد. طبقه فاسدی که صدها میلیارد دلار از ثروت جامعه را در طول یک دهه و نیم گذشته تاکنون به جیب زده است در حالیکه از برآورده کردن کمترین نیازمندی ها و امکانات ابتدایی طبقه کارگر و نیازمندان جامعه امتناع میکنند. این طبقه در مقابل نیازمندی های مردم زحمتکش، در برابر مطالبات و توقعات کارگرانی که هر روز بر ثروت نجومی جامعه می افزایند، سر باز میزند. این طبقه با امال و آرزوهای بشر در قرن ۲۱ بیگانه است. برای این طبقه، انسان چیزی جز برده نیست که تنها در چرخه سودآوری سرمایه و تولید ثروت برای سرمایه داران، ارزش دارد.

حزب کمونیست کارگری عراق، ضمن اینکه از وزارت فاسد برق میخواهد که مطالبات اساسی کارگران اعتصابی از جمله لغو قراردادهای موقت و به رسمیت شناختن استخدام دائمی آنها، عملکرد سرکوبگرانه وزارت برق در رابطه با رهبر کارگران اعتصابی را محکوم میکند. بعلاوه، حزب کمونیست کارگری عراق از وزارت برق میخواهد که بجای مختنق کردن فضا، تشکل و اعتصاب و آزادی اعتراض کارگران را برسمیت بشناسد. حزب همچنین از وزارت کار میخواهد که رهبر کارگران اعتصابی را فوراً از تبعید بازگردانده و پست و مقام ایشان را به رسمیت بشناسد.

حزب کمونیست کارگری عراق از همبستگی تمامی کارگران، احزاب و نهادهای انسان دوست و کمونیست چه در عراق و چه در سطح منطقه ای و بین المللی، استقبال میکند. مقاومت و مبارزه کارگران عراق در مقابل سیستم میلشیا و شبه نظامیان فاسد آن، به حمایت وسیع طبقه کارگر جهانی نیازمند است.

بسوی لغو قراردادهای موقت و استخدام دائم و رسمی تمام کارگران
بسوی بازگرداندن رهبر اعتصابیون بر سر مقام و موقعیت کاری اش
زنده باد مقاومت و مبارزه طبقه کارگر در عراق

حزب کمونیست کارگری عراق ۲۵ مه ۲۰۲۰

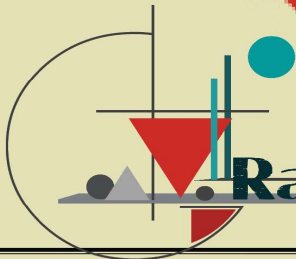
بیانیه حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شورالما است

hekatist.com

تلگرام حزب هکاتیسٹ
@Hekmatistx
hekatistparty@gmail.com
دیبر خانہ حزب
azar.modab@gmail.com
aman.kafa@gmail.com
mozafar.mohamadi@gmail.com
fuaduk@gmail.com
دیبر کمیٹہ مرکزی : آذر مدرسی
دیبر کمیٹہ خارج کشور حزب : امان کفا
مسول تشکیلات خارج کشور حزب : مظفر محمدی
دیبر دفتر کوردستان حزب : فواد عبداللہی
دیبر کمیٹہ تبلیغات : فواد عبداللہی

حکمتیست ہفتک
fuaduk@gmail.com
سر دیبر : فواد عبداللہی

COMMUNISM



Radio

Nina

radioneena.com

صدای آزادی، صدای برابری